

کرد که به وعده‌های خود عمل می‌کند. او وعده داد جنوب لبنان را آزاد و اشغالگران اسرائیلی را اخراج می‌کند و در سال ۲۰۰۰ این کار را انجام داد. او قول داد که زندانیان لبنانی را از زندان‌های اسرائیل بازمی‌گرداند و در سال ۲۰۰۴ به این وعده جامه عمل پوشاند. دبیرکل حزب‌الله لبنان همچنین وعده داد که عمق خاک اسرائیل را هدف قرار خواهد داد و در سال ۲۰۰۶ این کار را هم کرد. امروز بسیاری از اعراب او را با جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور فقید مصر مقایسه می‌کنند. ناصر دو جنگ علیه اسرائیل را در سال‌های ۱۹۵۶ و ۱۹۶۷ رهبری کرد. ناصر نیز مانند نصرالله جوان، سرکش، انقلابی و به‌شدت کاریزماتیک بود. «ترور او در روز جمعه طی عملیاتی اتفاق افتاد که صدها نفر غیرنظامی کشته و هزاران نفر زخمی شدند. شاید از نگاه اسرائیل و حامیانش در ایالات متحده این «تلفات جانبی»، «ارزشش را داشت» که رهبر حزب‌الله لبنان به‌عنوان یکی از جدی‌ترین تهدیدها علیه اسرائیل حذف شود و این گروه بدون رهبران ارشدش - که در ماه‌های اخیر ترور شدند - آسیب‌پذیرتر از قبل شود. با این حال، تحلیلگران واقع‌بین‌تر معتقدند که این اقدام اسرائیلی هانه‌تنها کمکی به این‌من تر شدن اسرائیل نمی‌کند بلکه می‌تواند به تشدید قابل توجه تنش‌ها در منطقه منجر شود.

بخشی از این موضوع به شخصیت و ویژگی‌های سیدحسین نصرالله بازمی‌گردد؛ رشد حزب‌الله در دوره رهبری او بیش از آن که رشدی حول شخصیت او باشد، رشدی سیستمی و نظام‌مند بود و همین امر سبب شد که اثرگذاری منطقه‌ای حزب‌الله قابل مقایسه با گذشته این گروه نباشد. اما سیدحسین نصرالله که بود و چگونه توانست حزب‌الله را از یک گروه محلی در جنوب لبنان به بازیگری منطقه‌ای تبدیل کند؟

▼ آغاز راه

سیدحسین نصرالله در روز ۳۱ آگوست ۱۹۶۰ (۹ شهریور ۱۳۳۹) در بیروت متولد شد. پدر او یک فروشنده سبزیجات اهل روستای بازوریه در جنوب لبنان بود و به سختی می‌توانست هزینه زندگی فرزندانش را تأمین کند. کودکی نصرالله در دهه ۱۹۶۰ میلادی در بیروت سپری شد؛ جایی که در لبنان آن زمان تحت ریاست جمهوری فواد شهاب به‌عنوان «پاریس شرق» مشهور بود. توریسم، سیستم بانکداری قدرتمند، سرمایه‌گذاری خارجی و فرهنگ نسبتاً متفاوت با سایر کشورهای عربی منطقه باعث شده بود لبنان دوره کاملاً متفاوتی را به‌ویژه از نظر اقتصادی سپری کند اما وضعیت در این کشور برای همه از جمله شیعیان جنوب لبنان یکسان نبود. شیعیان لبنان که اکثریت جامعه مسلمانان این کشور را تشکیل می‌دادند برای قرن‌ها از سلطه حکام اهل سنت (در دوره امپراطوری عثمانی) رنج برده بودند و پس از فروپاشی عثمانی در اوایل قرن بیستم می‌کوشیدند تا از طریق تجارت با همسایگان به خصوص تجارت با فلسطینی‌ها وضعیت را برای خود بهتر کنند. با این وجود، در پی تشکیل اسرائیل در سال ۱۹۴۸ این مسیر تجاری هم قطع شد تا وضعیت شیعیان لبنان بدتر شود. در داخل لبنان نیز ساختار سیاسی اجازه رشد به جوامع شیعه را نمی‌داد؛ فرصت‌های رشد و توسعه عموماً در اختیار جامعه مسیحیان که رئیس‌جمهور از آن‌ها انتخاب می‌شد و جامعه مسلمانان اهل سنت که تخصص‌توریز را از میان آن‌ها برمی‌گزیدند قرار می‌گرفت. هر چند ریاست‌پارلمان در اختیار شیعیان بود اما نمایندگان آن‌ها اغلب فنودال‌ها و ملاکان بزرگی بودند که توجه زیادی به وضعیت غیرقابل قبول جوامع شیعه‌نداشتند. این وضعیت سبب شده بود تا شیعیان در دوران رونق اقتصادی لبنان (از دهه ۱۹۴۰ میلادی به بعد) عملاً به فراموشی سپرده شوند. چنین شرایطی تا دهه ۷۰ میلادی ادامه یافت و کار به جایی رسید که در سال ۱۹۷۴، در حالی که شیعیان ۲۰ درصد از جمعیت لبنان را تشکیل می‌دادند، سهم آن‌ها از بودجه عمومی تنها ۰/۷ درصد بود. رهبری که موفق شد شیعیان را از این وضعیت خارج کند و با ایجاد اتحاد از آن‌ها بخواهد که

نصرالله، به گفته خودش، از کودکی به حوزه علمیه و روحانیت علاقه داشت؛ اما پدر و مادرش مخالف بودند. او در ۱۹۷۶ برای فراگیری علوم دینی به نجف رفت. غروی طی نامه‌ای، نصرالله را به آیت‌الله صدر معرفی کرد. صدر نیز سیدعباس موسوی (عباس الموسوی)، روحانی شیعه لبنانی) را برای نظارت به وضعیت علمی و تأمین نیازهای سیدحسین نصرالله گماشت. او در سال ۱۹۷۸ دروس مقدماتی حوزه را به پایان رساند و پس از دو سال اقامت در نجف، به دلیل فشارهای رژیم بعث عراق به لبنان بازگشت. او با تأسیس مدرسه امام منتظر در سال ۱۹۷۹ در بعلبک، درس حوزوی خود را ادامه داد و هم‌زمان به تدریس نیز مشغول شد. او در سال ۱۹۸۹، به مدت یک سال برای تحصیل علوم دینی به قم سفر کرد و در درس سیدمحمود هاشمی، سید کاظم حائری و محمد فاضل لنکرانی شرکت کرد. دلیل بازگشت نصرالله از قم به لبنان را شایعاتی مبنی بر تشدید اختلافات حزب‌الله با جنبش امل دانسته‌اند. نصرالله در کنار تحصیلاتش، آموزش‌های مختلف نظامی و دوره‌های چریکی را نیز پشت‌سر گذاشت.

▼ از امل تا حزب‌الله

حزب‌الله از بقایای جنبش امل تشکیل شد. جنبش امل زمانی که امام موسی صدر ناپدید شد به ورطه چنددستگی و اختلاف افتاد و حسین الحسینی رهبر جدید این جنبش نیز که نه کاریزما و نه سیاست موسی صدر را داشت، نتوانست امل را از نابودی نجات دهد. در سال ۱۹۸۱ نیبه بری جایگزین حسینی شد. ژوئن ۱۹۸۲ اسرائیل به لبنان حمله کرد. طی این حمله، اسرائیلی‌ها پیش از آن که بیروت را اشغال کنند به مدت ۱۰ هفته این شهر را اشغال کردند. آن‌ها قصد داشتند سازمان آزادی‌بخش فلسطین را از لبنان بیرون کنند و یک دولت دست‌نشانده در بیروت بنشانند تا خواسته‌هایشان تأمین شود. طی این حمله، حدود ۲۰ هزار شهروند فلسطینی و لبنانی کشته شدند و الیاس سرکیس، رئیس‌جمهور وقت لبنان برای کنترل شرایط، دستور ایجاد کمیته‌ای را داد که نیبه بری رهبر جنبش امل نیز در آن حضور داشت و مسیحیان متحد اسرائیل هم در این کمیته نماینده داشتند. این موضوع خشم بخشی از اعضای ارشد جنبش امل از جمله عباس موسوی و نصرالله را برانگیخت و آن‌ها که به مبارزه مسلحانه علیه اسرائیل معتقد بودند تصمیم گرفتند از این جنبش جدا شده و حزب‌الله را تأسیس کنند.

به همین ترتیب حزب‌الله لبنان در تابستان ۱۹۸۲ با حمایت ایران تأسیس شد و مبارزه با اسرائیل را به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین اهداف خود در دستور کار قرار داد. در این دوران حزب‌الله تلاش می‌کرد تا از طریق مبارزه با اسرائیل جوانان لبنانی را به خود جذب کند و به مرور به گروهی مهم در جنوب لبنان تبدیل شد. هم‌زمان نصرالله در این دوران به چهره‌ای کلیدی در روابط حزب‌الله با تهران بدل شد و سفرهای زیادی به ایران داشت تا ضمن گفت‌وگو با مقام‌های ایرانی هماهنگی‌های لازم را جهت پیشبرد اهداف مشترک انجام دهد. بر اساس روایت منابع غربی، نصرالله در آن دوران ارتباط مستقیم و مستمری با تهران داشت.

▼ شروع یک عصر جدید

در سال ۱۹۹۱ عباس موسوی به‌عنوان دومین دبیرکل حزب‌الله لبنان انتخاب شد اما تنها چند ماه بعد در فوریه ۱۹۹۲ اسرائیلی‌ها او را ترور کردند تا حزب‌الله در پی یک

دبیرکل جدید باشد. به‌رغم وجود گزینه‌های باتجربه‌تر، نصرالله ۳۱ ساله به دلیل کاریزما و محبوبیت درون سیستم البته در تهران، به‌عنوان دبیرکل جدید حزب‌الله انتخاب شد. شروع کار او با وعده گرفتن انتقام عباس موسوی بود و خیلی زود (مارس ۱۹۹۲) عملیات‌های حزب‌الله برای انتقام‌گیری از اسرائیلی‌ها شروع شد. در جولای ۱۹۹۳ اسرائیل حمله‌ای بزرگ را علیه حزب‌الله ترتیب داد که یک هفته به طول انجامید. در پاسخ، نصرالله دستور حمله راکتی به اسرائیل با ۱۴۲ موشک کاتیوشا را صادر کرد. در آوریل ۱۹۹۶ جنگی دیگر میان حزب‌الله و اسرائیل رخ داد که ۱۶ روز طول کشید و این بار حزب‌الله پاسخ موشکی شدیدتری به اقدامات اسرائیل داد. سپتامبر ۱۹۹۷ در درگیری‌ها با اسرائیل اتفاقی رخ داد که برای نصرالله از نظر شخصی بسیار اهمیت داشت. به گزارش روزنامه الاحرار مصر، در آن زمان هم‌زمان با سخنرانی نصرالله به او خبر داده شد که فرزند ارشدش به اسم هادی که تنها ۱۸ سال داشت در درگیری‌ها کشته شده است: «واکنش آرام نصرالله وزمزمه فاتحه‌زیر لب، احترام اعراب نسبت به او را دوچندان کرد.»

زینب، دختر حسن نصرالله پیش از این دربارہ مرگ برادرش گفته بود: «وقتی برادرم هادی شهید شد، پدر و مادرم حتی یک قطره اشک نریختند، که نشان‌دهنده غرور خانواده است.»

در دهه ۱۹۹۰ میلادی حزب‌الله توانست جمعیت جوان زیادی را به خود جذب کند که بخش اعظم آن به خاطر اقدامات و فعالیت‌های شخص نصرالله بود. او سخنرانی قابل بود و پخش تلویزیونی سخنرانی‌های او باعث محبوبیت بیشتر حزب‌الله در جنوب لبنان شد. شبکه‌ای از میلغان حزب‌الله نیز در مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز علمی و فرهنگی فعالیت می‌کردند که به مرور تعداد مشتاقان به این گروه را بیشتر کرد.

پس از عقب‌نشینی اسرائیل از جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ میلادی و اخراج اشغالگران پس از حضور ۱۸ ساله در لبنان، نصرالله به جایگاهی نمادین هم در لبنان و هم در سراسر جهان عرب رسید.

موقعیت حزب‌الله در سال ۲۰۰۶ یعنی زمانی که اسرائیل را در جنگ ۳۳ روزه به بن‌بست رساند، بیشتر تثبیت شد. پس از این پیروزی، در سال ۲۰۰۷ حزب‌الله تحت رهبری حسن نصرالله از سوی ایالات متحده به عنوان گروه تروریستی شناخته شد. برخی دیگر از کشورهای غربی نیز به تبعیت از آمریکا بخشی از ساختار یا کلیت حزب‌الله لبنان را به‌عنوان گروه تروریستی شناسایی کردند.

حزب‌الله از آن زمان درگیری‌های محدودی در مقاطع مختلف با اسرائیل داشت و توانست قدرت نظامی خود را به‌طور قابل توجهی تقویت کند. نقش آفرینی این گروه در درگیری‌های منطقه‌ای دهه ۲۰۱۰ میلادی از جمله مقابله با گروه‌هایی نظیر ارتش آزاد سوریه و داعش بسیار حائز اهمیت بود.

تحت رهبری حسن نصرالله حزب‌الله همچنین موفق شد ساختار نظامی قدرتمندی را ایجاد کند که برای اسرائیل بسیار نگران‌کننده است. شبکه خبری سی‌ان‌ان می‌نویسد: «براساس تخمین‌های اسرائیل، حزب‌الله در حال حاضر بیش از ۱۵۰ هزار موشک و راکت در اختیار دارد و از ماه اکتبر سال گذشته تاکنون حدود ۵ هزار فرود از این موشک‌ها و راکت‌ها را شلیک کرده است.» به نوشته سی‌ان‌ان، اسرائیل طی این مدت از پیچیدگی حملات حزب‌الله شگفت‌زده شده است؛ حملات متعدد و «بسیار دقیق» به اهدافی در اسرائیل، ساقط کردن پهپادهای پیشرفته اسرائیلی و هدف قرار دادن سامانه‌های گنبد آهنین از جمله اقداماتی بوده که نگرانی‌ها در اسرائیل را پیرامون توان نظامی حزب‌الله تشدید کرده است. علاوه بر توان تسلیحاتی، حزب‌الله از توان انسانی بالایی هم برخوردار است. به گفته سیدحسین نصرالله این‌گروه در حال حاضر بیش از ۱۰۰ هزار نفر رزمنده دارد که تجربیات میدانی زیادی هم در سال‌های اخیر کسب کرده‌اند.



خودرویش در دمشق؛ پایتخت سوریه، کشته شد. دو نفر دیگری که تحت آموزش ویژه عماد مغنیه قرار داشتند شامل حسن نصرالله، دبیرکل پیشین حزب‌الله، و نبیل قاووق، نایب رئیس شورای اجرایی حزب‌الله بودند که روز شنبه در حملات اسرائیل به حومه جنوبی بیروت ترور شدند. هاشم صفی‌الدین در سال ۱۹۹۸ ریاست شورای اجرایی حزب‌الله، نهادی که بیشتر به دولت حزب‌الله شباهت دارد را برعهده گرفت. این‌گونه بود که صفی‌الدین مسئول اجرای سیاست‌های داخلی حزب‌الله، توسعه تشکیلات داخلی این گروه و نظارت بر مؤسسه‌ها، دارایی‌ها و سرمایه‌گذاری‌هایش در داخل و خارج به‌ویژه در کشورهای عربی، آفریقا و آمریکای لاتین شد. هاشم صفی‌الدین در این سمت عملاً به مرد شماره دو حزب‌الله، پس از حسن نصرالله، تبدیل شد. او علاوه بر فعالیت در شاخه سیاسی حزب‌الله، در شاخه نظامی این گروه نیز فعالیت می‌کند. ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۱۷ نام هاشم صفی‌الدین را در فهرست «تروریسم» قرار داد و او در سال ۲۰۱۸ نیز از سوی واشنگتن تحریم شد. عربستان سعودی، امارات متحده عربی و بحرین نیز نام هاشم صفی‌الدین را در کنار شمار دیگری از مسئولان حزب‌الله در فهرست تروریستی خود قرار داده‌اند.

دیپلمات‌ها



تک اقدام مفهوم ندارد

دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران با بیان اینکه حزب‌الله بعد از شهادت سید مقاومت، «یک تجربه و عصر دیگری را آغاز خواهد کرد»، گفت که «موفقیتی برای دشمن وجود ندارد و پس از آغاز عملیات به‌اصطلاح خودشان محدود زمینی در لبنان، بلافاصله عقب‌نشینی کردند.» دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران صبح سه‌شنبه، به منظور عرض تسلیت در پی شهادت «سیدحسین نصرالله» دبیرکل جنبش مقاومت اسلامی لبنان، در دفتر حزب‌الله در تهران حضور یافت و با «عبدالله صفی‌الدین» نماینده این جنبش در ایران نیز دیدار کرد. احمدیان همچنین در حاشیه حضور در دفتر حزب‌الله لبنان، در جمع خبرنگاران گفت: با شهادت رهبران الهی در طول تاریخ هیچ‌گاه در جریان مکتب آن‌ها خللی ایجاد نشده است، در کار حزب‌الله هم خللی ایجاد نخواهد شد و آسیبی به حزب‌الله، به قدرت رزم حزب‌الله وارد نشده است. احمدیان همچنین گفت: حزب‌الله بعد از این حادثه یک تجربه و عصر دیگری را آغاز خواهد کرد. این عصر همان‌گونه که بعد از شهادت «سیدعباس موسوی» عصر قدرت حزب‌الله بود، آینده هم قطعاً همین‌طور خواهد بود. دبیر شورای عالی امنیت ملی در ادامه گفت: همان‌گونه که وظیفه خود می‌دانستیم از حزب‌الله در دوران دبیرکلی سیدحسین نصرالله حمایت کنیم، این وظیفه را کاملاً برای خود پابرجا می‌دانیم چون بر مبنای یک اعتقاد، یک آرمان همکاری مشترک شکل گرفته بود و برای همه مردم لبنان و جبهه مقاومت آرزوی موفقیت می‌کنیم. دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران درباره پاسخ احتمالی ایران به رژیم صهیونیستی در پی اقدامات جنایتکارانه اخیر این رژیم گفت: عزیزان ما باید دقت داشته باشند که جبهه مقاومت درگیر یک جنگ است. تک‌اقدام مفهوم ندارد. این حادثه و این تقابل با کنش جبهه مقاومت آغاز شد نه با کنش جبهه دشمن. از آن روز تا به امروز، دشمن در حال واکنش است نه در حال کنش و دشمن در حالت استیصال است و تلاش می‌کند با عملیات روانی خودش را با یکی دو عملیات که عمدتاً متکی بر ترور است، موفق نشان دهد، اما چنین موفقیتی برای او وجود ندارد. او در همین ارتباط ادامه داد: همین دیشب و در عملیات به‌اصطلاح خودشان محدود زمینی که آغاز کردند، بلافاصله عقب‌نشینی کردند. احمدیان تأکید کرد: بدون تردید پیروزی با جبهه مقاومت است و شکست از آن دشمن.



اعزام نماینده ویژه به لبنان

وزیر امور خارجه ایران «محمدرضا رثوف‌شیبانی» را به عنوان نماینده ویژه در منطقه غرب آسیا منصوب کرد. «رثوف‌شیبانی» که به زودی جهت ریزی و مشورت با مقامات مسئولین لبنان عازم بیروت خواهد بود، صبح دیروز در دیدار با عراقچی گزارشی از آخرین وضعیت تحولات لبنان و اقدامات و تحرکات رژیم صهیونیستی در این کشور در پی شهادت دبیرکل حزب‌الله و جمعی از یاران ایشان ارائه کرد. عراقچی با اشاره به وضعیت حساس در منطقه غرب آسیا، بر ضرورت تحرک جامعه بین‌المللی برای مقابله با اقدامات تنش‌زا و بی‌ثبات‌ساز رژیم صهیونیستی در منطقه و توقف آتش‌افروزی‌های این رژیم تأکید ورزید. وزیر خارجه با ارائه توصیه‌های لازم به نماینده ویژه خود، افزایش تحرکات سیاسی و ضرورت شکل‌گیری اقدام جمعی کشورهای خواهان ثبات و آرامش در منطقه را مورد تأکید قرار داد. محمدرضا رثوف‌شیبانی پیش از این سوابق دیپلماتیک مختلفی از جمله معاون عربی و آفریقایی وزارت امور خارجه و سفیر جمهوری اسلامی ایران در لبنان، سوریه و تونس را در کارنامه خود دارد.